

## تفسیر مفهوم مصلحت عمومی در بستر اندیشه موافقان مشروطیت با تاکید بر آرای

### شیخ اسماعیل محلاتی غروی

نازنین زهرا بروغنی<sup>۱</sup>، سیدمحمدرضا احمدی طباطبایی<sup>۲\*</sup>، جلال درخشه<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۱۲

**چکیده:** مفهوم مصلحت عمومی در بستر تاریخ اندیشه سیاسی شیعه و در ساحت امر سیاسی در ادوار مختلف مورد توجه اندیشمندان و عالمان سیاست قرار گرفته شده است، از جمله این فقها که در بستر اندیشه مشروطه به مفهوم مصلحت توجه نشان داده، شیخ محمد اسماعیل محلاتی غروی است که ایشان غایت دیانت را تأمین مصالح عامه دانسته‌اند و «فوائد عامه و منافع کلیه سیاسی» را ضابطه تمیز مشروطیت و سلطنت می‌دانستند و این رویکرد مهم در آستانه نهضت مشروطیت از امهات اندیشه سیاسی جدید محسوب می‌شد و بر مبنای این مهم محلاتی رساله‌ای با عنوان «الثالی المرتبطه فی وجوب المشروطه» تقریر نموده است. بر این اساس پژوهش حاضر تلاش دارد با استفاده از رویکرد تفسیری اسکینر ضمن در «زمینه» قراردادن ایده محلاتی، با تمرکز بر واژگان هنجارین «مصلحت عمومی» در آن «زمانه»، نشان دهد که محلاتی در چه زمینه گفتاری اندیشیده است. پرسش اصلی پژوهش بر محور موضوع موصوف در این نوشتار به این شکل سامان یافته که مفهوم مصلحت عمومی در اندیشه سیاسی محلاتی معطوف به چیست؟ فرضیه پژوهش بیان می‌کند اندیشه سیاسی محلاتی در دفاع از مشروطیت مبتنی بر رعایت مصالح عمومی با تاکید بر حکومت مشروطه منطبق با ادله عقلی و انطباق آن با دیانت در عصر غیبت هم راستا با نظرات روحانیون موافق مشروطه و در تقابل با روحانیت ضد مشروطه، تلاش کرده است تفسیری جدید از مفهوم مصلحت ارائه کند.

**واژگان اصلی:** مصلحت عمومی، فقه سیاسی مشروطه، مصلحت عمومی، فقه سیاسی، انقلاب مشروطه، شیخ

اسماعیل محلاتی

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری علوم سیاسی (اندیشه‌های سیاسی) گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی،

واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. zboroghany@yahoo.com

<sup>۲\*</sup> دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع)، ایران (نویسنده

مسئول) tabatabai@isu.ac.ir

<sup>۳</sup> استاد گروه علوم سیاسی، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع)، ایران

j.dorakhshah@yahoo.com

## مقدمه

عصر قاجار عصر ظهور مفاهیم جدیدی به فضای سیاسی و اندیشه‌ای ایران و آشنایی جدی ایرانیان با مدنیت و فرهنگ غربی قلمداد می‌شود آنچنان که رهاورد آن ورود اندیشه‌های نوخواهانه در گستره مسائل اجتماعی و سیاسی آن دوران می‌باشد. آنچنان که نقطه عطفی در اندیشه سیاسی شیعه شناخته می‌شود. پر واضح است که مشروطه زمینه ساز ورود ادبیات سیاسی شیعه به مرحله‌ای از بازشناسی، بازپروری و پاسخگویی به شرایط نوین جامعه می‌باشد.

بنابراین از جمله مهمترین مسائل راجع به جنبش مشروطه خواهی مردم ایران، تفسیر عقلانی از دیانت و تلاش برای سازگاری احکام شرعی اسلام با اندیشه‌های نوگرایانه و آزادی خواهی توسط روشنفکران و شریعتمداران مشروطه خواه بود. آنچنان که پیش از ورود اندیشه‌های نوین در عرصه عمل، بیشتر فقها تنها در راستای اجرای شریعت، امر به معروف و نهی از منکر و ذکر وظایف شرعی حکومت عمل می‌نمودند، اما با ورود ایران به عصر جدید، روحانیت با مسائل بسیار پیچیده‌ای مواجه شدند، که تا پیش از این برهه‌ی تاریخی رویارویی علماء با مسائل، پیش‌تر در درون نظام اندیشگی دینی پیرامون اصولی‌گری یا اخباری‌گری و یا شیخی‌گری و بابی‌گری و ... پدیدار شده بود، درحالی‌که از این به بعد، بیشترین مواجهه‌ی علما با مسائل، بیرونی بود که ورود آموزه‌های تجدد چون مشروطه خواهی، عقل‌گرایی و مصلحت‌عمومی را در بر می‌گرفت.

در این میان علمای برجسته‌ای همچون شیخ اسماعیل محلاتی که رویکرد اصلی ایشان فهم عقلانی دیانت و تفسیر آن بر وجهی است که بتواند تضادهای موجود میان شرع و عرف را پاسخ دهد و مفاهیم جدیدی مانند آزادی، برابری، اصل نمایندگی و غیره را با اسلام هم‌آوا سازد، باید تأکید نمود تلاش برای سازگاری میان اسلام با مبانی مدنیت غربی صرفاً موضع‌گیری علمای مشروطه خواه در مقابل مخالفان مشروعه طلب نبود، بلکه تفسیر و قرائت جدیدی از اسلام بود تا اسلام و تاریخ آن را به عنوان دیانت آزادی و حکومت قانون معرفی نمایند

بر این اساس آنچه در این دوره فراتر از منازعات لایه‌هایی از علمای شیعه با حکومت و نیز وجود مسائل درون دینی طرح گردید و برای نخستین بار به صورت جدی بر تارک تئوریک سیاسی شیعه هجوم آورد گفت‌وگو بر او رشدی بود که در چهارچوب شاخصه‌های تمدن غرب وارد جهان اسلام و ایران شده این گفت‌وگو سریعاً توانست مخاطبان زیادی حتی در میان مذهبیون و علمای دینی بیابد و مولفه‌های آن از سوی بسیاری از افراد پذیرفته شود هر چند این مولفه‌ها در متن توده‌ها نفوذ نکرد لیکن بی‌وقفه در اندیشه متفکران جامعه اثر گذار شد در نهایت بخش مهمی از آن جزء پذیره‌های

سیاسی و حقوقی ایران در جریان های انقلاب مشروطیت گردید که به عنوان عامل چالش دهنده در مقابل سستهای تاریخی جامعه ایرانی عمل نمود.

در چنین شرایط حساس، دشواری و در کشاکش اندیشه‌ها با ورود شیخ اسماعیل محلاتی غروی به حوزه نظریه‌پردازی سیاسی و ظهور گفتمانی نو در ساحت حکومت‌مشروطه با تاکید بر مفهوم مصلحت‌عمومی در عصرغیبت در مسیر تئوریزه کردن فقهی انقلاب مشروطه براساس مبانی اجتهادی شیعه گام برداشتند. محلاتی با نگارش رساله ای با عنوان *لثالی المریوطه فی وجوب المشروطه*، برخلاف طرفداران نظام مشروطه که جز به اجرای شرع نظر نداشتند ایشان غایت دیانت را تامین مصالح عامه دانسته اند و "فوائد عامه و منافع کلیه سیاسیه" را ضابطه تمیز مشروطیت و سلطنت می دانستند بنابراین در پژوهش حاضر سوال اصلی این است که مفهوم مصلحت‌عمومی در اندیشه‌سیاسی محلاتی معطوف به چیست؟ فرضیه پژوهش بیان می‌کند اندیشه‌سیاسی محلاتی در دفاع از مشروطیت مبتنی بر رعایت مصالح‌عمومی با تاکید بر حکومت مشروطه منطبق با ادله عقلی و انطباق آن با دیانت در عصر غیبت هم راستا با نظرات روحانیون موافق مشروطه و در تقابل با روحانیت ضد‌مشروطه، تلاش کرده است تفسیری جدید از مفهوم مصلحت ارائه کند.

## ۲. پیشینه پژوهش

در ارتباط با عصر قاجار، انقلاب مشروطه و نقش روحانیان در این دوران آثار ارزشمندی به رشته تحریر در آمده که در ادامه به معرفی چند منبع مهم در تاریخ اندیشه و جریان شناسی دوره انقلاب مشروطه می‌پردازیم که به طور مستقیم با مباحث مطرح شده در این پژوهش در ارتباط است و از آن‌ها بهره‌هایی چند، برده شده است.

زرگری نژاد، غلامحسین در رسائل مشروطیت (۱۸ رساله و لایحه درباره مشروطیت) به طور مفصل به گردآوری رسالاتی که در عصر مشروطه در رد یا دفاع از مشروطیت به نگارش در آمده پرداخته است. این دو جلد حاصل گرد آوری غلامحسین زرگری نژاد می باشد که در نوع خود یکی از کامل ترین و جامع ترین گردآوری‌ها برای مطالعه رسایل مشروطیت است. نویسنده در تقسیم بندی خود به دو فصل کلی اکتفا کرده است که در فصل اول رسایل مخالفین یا مشروعه خواهان را گنجانده و در فصل دوم رسایل مشروطه خواهان، و در ابتدای هر رساله به توضیح مختصری در باب چگونگی تألیف، نویسنده و موارد بحث شده در رساله را برای راهنمایی بیشتر خواننده آورده است. از این حیث این دو جلد را باید یکی از کامل ترین و جامع ترین منابع دست اول در بررسی نظری موافقان

و مخالفان مشروطه دانست.

طباطبایی، سیدجواد در کتاب نظریه حکومت قانون در ایران، که در نه فصل تنظیم شده است و در آن با پیگیری مباحثی که در جلد دوم مطرح شده بود وارد عصر ناصری و جنبش مشروطه خواهی شده و توجه ویژه‌ای به تدوین نظریه حکومت قانون و تبدیل حقوق شرع به نظام حقوقی جدید دارد در فصل هفتم با عنوان نظریه‌ی مشروعه خواهی اهل دیانت آغاز و به بررسی افکار مخالفان روحانی مشروطه به ویژه شیخ فضل الله می‌پردازد. که نا توان از درک منطق و الزامات دوران جدید بوده اند. در فصل هشتم به نظریه مشروطه خواهی اهل دیانت و روحانیون مشروطه خواه و تفاسیر جدید آنان از شریعت و دریافت نوع از آن و اصول مشروطه پرداخته شده است و فصل نهم به میرزای نائینی و نظریه مشروطیت ایران اختصاص یافته و به بررسی آراء نائینی پیرامون مشروعیت مشروطه و درک و دریافت جدید شکل گرفته در این دوره می‌پردازد. در آخر فصلی به عنوان خاتمه یا تجدید مطالعی در مفهوم سنت به بررسی و نقد آراء و تألیفات پیرامون مشروطه خواهی در دوران جدید می‌پردازد.

افتخاری، اصغر در کتاب مصلحت (مجموعه مفاهیم بنیادین علوم انسانی اسلامی) آنچه در این اثر مورد سوال واقع شده، این است که مصلحت در قالب گفتار سیاسی اسلام، چه سیر تحولی را طی نموده و متناسب با آن چه نقش‌هایی را ایفاء نموده است کتاب از چهار فصل به شرح زیر تشکیل شده است. فصل اول با عنوان «کالبد شکافی مفهومی مصلحت»؛ درباره کالبد شکافی مفهوم مصلحت و تمیز مرزهای معنایی موجود از این مفهوم در سیر اندیشه‌اندیشه‌گران مختلف، بحث شده است. از این منظر پژوهشگر، سه رویکرد متفاوت از مصلحت را شناسایی و از یکدیگر تمیز داده است

فصل دوم با عنوان «سیر تحول مصلحت در فقه سیاسی اهل سنت»؛ الگوهای مصلحت سیاسی را نزد اهل سنت مورد بحث و بررسی قرار داده است. فصل سوم تحت عنوان «سیر تحول مصلحت در فقه سیاسی تشیع»؛ الگوهای مصلحت سیاسی را نزد تشیع مورد بحث و بررسی قرار داده است. برای این منظور نگارنده چهار دوره اصلی را طرح و بررسی کرده است. نتایج یافته‌های بیان می‌نماید که در دوره قاجارها به دلیل استمرار زمانی زیاد و همچنین تلاش فزاینده سلاطین قاجار برای استمرار حاکمیت شان - علی‌رغم ورود اندیشه‌های جدید سیاسی و یا گرایش‌های قوی به دین‌درون جامعه - حاوی طیف متنوعی از نظریه‌های مربوط به «جایگاه مصلحت در اندیشه و عمل سیاسی» است که از حداقل‌گرایی مدنظر نظریه‌های اضطراری تا حداکثرگرایی مورد نظر نظریه‌های انتصابی،

در نوسان است. فصل چهارم با عنوان «امام خمینی(ره) و کمال نظریه مصلحت»؛ «معنا و مقام مصلحت» در سه ساحت فقهی، ساختاری و کاربردی مستند به اندیشه و عمل امام (ره) بررسی شده است.

احمدی طباطبائی، سید محمدرضا، کرباسی، وحید در مقاله ای با عنوان «گفتمان عقلی و نقلی مراجع و فقها شیعه در دفاع از حکومت مشروطه در عصر غیبت» این پژوهش بر این مهم تاکید دارد که ورود آموزه های مدرن در حوزه سیاست و جامعه به کشورهای اسلامی در دوران معاصر عکس العمل های مختلفی را به دنبال داشته است و بحث چگونگی تطبیق یا عدم تطبیق آموزه های دینی و سستی با مفاهیم مدرن سیاسی و اجتماعی یکی از مهم ترین دغدغه های جامعه دینی و روشنفکران دین اندیش به خصوص در دوره مشروطه است براین اساس نویسنده در این پژوهش بر این محور متمرکز شده است که عالمان دینی و مراجع مشروطه خواه بر پایه ی چه اصول و مبانی دینی و عقلی، مستظهر به مبانی اصولی و فقهی در تطبیق نسبی مفاهیم سیاسی مدرن با آموزه های اسلامی تلاش کرده اند.

درخشه، جلال در مقاله با عنوان «نسبت قانون و شریعت در اندیشه سیاسی علامه میرزای نائینی» این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی به بررسی دوره مشروطیت و نسبت اندیشه دینی شیعی با نظام و اندیشه سیاسی جدید پرداخته و معتقد است که مشروطیت دوره ای از نواندیشی فکری و به نوعی بازآفرینی دینی را به وجود آورده است در این پژوهش دوره مشروطیت، در عین حالی که پاسخی به نیازها شرایط حاکم بر ایران بود، نتیجه فرآیند تحولات فکری رو به رشدی بود که از جهان غرب وارد ایران شد و در قالبی ساختارشکنانه، منطق نوینی را بر مناسبات سیاسی و اجتماعی جامعه ایران حاکم گردانید. نسبت اندیشه دینی شیعی با نظام و اندیشه سیاسی جدید که بر شاخص هایی چون عقل گرایی، علم، قانون و حقوق اساسی و غیره تأکید می ورزید، از جمله پرسش های مهمی بود که فراروی اندیشمندان دینی قرار گرفت.

رضائی پناه، امیردر مقاله ای با عنوان بنیاد و ساختار نظام قانون گذاری و نمایندگی در آرای علمای مشروطه خواه (با کانونی بودن آرای شیخ محمدحسین نائینی و شیخ اسماعیل محلاتی) در این پژوهش بر این مهم تاکید شده است که در پی انقلاب مشروطه، انگاره هایی جدید در پهنه سیاسی کشور به میان آمد. انقلاب مشروطیت برآیند خواست جامعه ایرانی است برای انضمامی کردن بسیاری از فراورده های ذهنی و ایده آل هایش. قانون گذاری و وکالت و یا نمایندگی انگاره ای بود که در سایه

برپایی مجلس شورای ملی برجسته شد. مقاله پیش‌رو به دنبال بررسی و کندوکاو در بنیادها و ساختار این نظام از زاویه دید علمای مشروطه‌خواه این عصر است. برای سازمان‌دهی بیش‌تر این پژوهش، کوشش شده است تا کانون بحث بر آرای دو عالم برجسته این عصر، شیخ محمدحسین غروی نائینی با رساله تنبیه الامه و تنزیه المله، و شیخ اسماعیل محلاتی با رساله اللالی المرپوطه فی الوجوب المشروطه، استوار شود.

### ۳. تعریف مفاهیم

#### ۳-۱. مصلحت عمومی

در اندیشه سیاسی، مصلحت از ابتدا با صفت عمومی توصیف می‌شد و در حوزه عمومی تعریف شده و معیار و ملاک صورت‌بندی انواع نظام‌های سیاسی مطلوب و نامطلوب بوده است. تنگنای تعریف در وجه عمومی مصلحت است که از عینیت آن می‌کاهد. زیرا مسئله این است که چگونه می‌توان به تعریف مصلحت عمومی دست یافت که به جای مبهم و مختص بودن، عینی و عام باشد. اختلاف آراء اندیشمندان نیز به همین موضوع بر می‌گردد، آنچنان که فردگرایی لیبرالی بر اساس رویکرد فایده‌گرایانه، مصلحت را نفع و لذت فردی عنوان نموده است و همچنین جمع‌گرایی بر اساس رویکرد نفع‌گرایانه، مصلحت را حفظ منافع عمومی جامعه و همچنین پراگماتیسم، بر اساس رویکرد پیامدگرایانه، مصلحت را در تأمین منافع عملی خلاصه می‌کنند. به رغم آنکه، در هر کدام از این رویکردها، مصلحت به دو گونه متفاوت به کار رفته، اما از منظر فلسفه، این مفهوم در تمامی این رویکردها، به شکل پیشینی پدیدار گشته است.

مصلحت پیشینی قبل از تعلق امر الهی وجود داشته، که به مدد عقل قابل کشف است و همین مصلحت پیشینی است که به حوزه مباحث فلسفه سیاسی در قالب مصلحت عمومی وارد شده است اما مصلحت در فقه سیاسی اسلام و به طور اخص در فقه شیعه، امری پسینی است که پس از تعلق امر الهی کشف می‌شود. به همین خاطر است که مفهوم مصلحت عمومی، به عنوان معیاری برای تنظیم مناسبات اجتماعی و نظام سیاسی فریه نگشته است و در قلمرو فقه سیاسی، نسبتاً نااندیشیده باقی مانده است. البته، در اندیشه برخی فقها مفهوم مصالح عمومی، به مثابه معیار تمیز حکومت مطلوب از نامطلوب مورد توجه قرار گرفته شده است، اما موضوع قابل تأمل، تعیین حدود و ثغور و مرجع تشخیص مصلحت، مصالح اکثری به معنای هدایت امور جامعه متناسب با خواست اکثریت که در اندیشه برخی از فقها مطرح است می‌باشد. (فاطمه سلیمانی، ۱۳۸۹: ۹۲).

### ۲-۳. مصلحت عمومی در فقه سیاسی شیعه

فقها در بستر احکام دینی به صورت‌بندی مفهوم مصلحت پرداخته و در این مسیر بسیاری از ایشان مصلحت را هم ردیف منفعت و مخالف آن یعنی دفع مفسده و ضرر دانسته‌اند و نخستین مرتبه از مراتب تشریح احکام را مبتنی بر مصالح و مفساد در نظر گرفته‌اند. علامه حلی مصلحت را چنین صورت‌بندی نمود که آنچه با مقاصد انسان در امور دنیوی یا اخروی یا هر دو سازگار و موافق بوده و نتیجه حاصل از آن جلب منفعت یا دفع ضرر باشد (حلی، ۱۴۲۳: ۲۲۱/۳) همچنین فقیه برجسته صاحب کتاب فقه استدلالی جواهرالکلام شیخ حسن نجفی، مصلحت را به فواید دنیوی و اخروی تعبیر و تعمیم دادند. از ظاهر قرآن، روایات و سخن‌فقه‌ای امامیه فهمیده می‌شود که تمام احکام مربوط به معاملات و غیر آن برای تأمین مصالح دنیوی و اخروی مردم تشریح یا تأیید و امضا شده‌اند که عرفاً مصلحت و فایده نامیده می‌شوند (نجفی، ۱۳۶۸: ۳۴۴). میرزای قمی و شهید اول نیز بر همین دیدگاه تأکید داشتند و مصلحت را از منظر دفع مفسده گونه‌شناسی می‌کردند. اما برخی از فقها نیز رابطه این همانی میان مصلحت و منفعت را نمی‌پذیرند و مصالح و مفساد پنهان را مطرح می‌کنند مرحوم آیه‌الله خوئی از جمله این فقهاست که احکام شرعی را تابع منافع و مضرات لزوماً ندانسته و تنها تابع جهات و مصالح مستتر در متعلقات آن دانسته و روشن است که مصلحت کاملاً به معنای منفعت و مفسده نیست آنچنان که در بسیاری از واجبات مانند زکات، خمس و حج ضررمالی و در جهاد ضرربدنی وجود دارد و در مقابل در بسیاری از محرّمات، نفع مالی و بدنی وجود دارد در این فرض اولی تابع مصالح پنهان و دومی تابع مفساد پنهان است. (محقق داماد، ۱۳۹۶: ۱۵۹)

در وادی حقوق اسلامی طرح تئوریک مصلحت به مثابه ایده کلان و عام فقه مبتنی بر تأملات فراقه‌ی و فلسفی است (شاکری گلپایگانی: ۱۳۸۵، ۱۵۶) و با وجود اینکه مصلحت به مثابه منبع مستقل فقهی در فقه شیعی جایگاه مستقلی نداشت اما در حوزه‌ی عمل سیاسی به مانند یک قاعده مطرح بود. آنچنان که در وادی فقه سیاسی فارغ از مصالح اولیه‌ای که براساس آنها احکام الهی تشریح شده‌اند، در حوزه احکام حکومتی، کاربردهای نوینی پیدا نموده است (حقیقت، ۱۳۹۴: ۳۲) بنابراین کارکرد مصلحت در فقه شیعه به دو گونه متصور می‌شود:

الف) مصلحت به عنوان شرط اجرای حکم ثابت که از آن به «مصلحت اجراییه (مصلحت نوعیه)» تعبیر شده است؛ بدین معنا که حاکم اسلامی باید در تشخیص مصادیق احکام و در مقام اجراء رعایت مصلحت را بنماید. بر همین اساس، نائینی در بیان دو نوع حکومت ولایتیه و تملکیه، رعایت

مصلحت‌عموم را مبنای این دوگانگی قرار داده‌است.

ب) مصلحت به عنوان مبنایی برای تغییر احکام شرع؛ مصلحت گاهی نه در مقام جعل حکم شرعی، مانند مسلک عامه و نه در مقام اجرای حکم؛ همچون مصلحت اجرائیه، بلکه در مقام تبدل احکام شرعی مطرح می‌گردد. این نوع از کاربرد مصلحت که مبنای حکم‌حکومتی است، اساس مشاجرات علمی فراوانی در فقه سیاسی گردیده و پیامدهای مهمی را نیز به دنبال داشته‌است که امام‌خمینی (ره) از این منظر مصلحت را مورد توجه به ویژه در حوزه‌ی عمومی قرار داده‌اند و در جهت عملیاتی نمودن آن نهاد تشخیص مصلحت را تاسیس نمودند. (شفیعی، ۱۳۹۷: ۴۲)

#### ۴. هرمنوتیک قصدگرا: کوئنتین اسکینر

در این پژوهش رویکرد اسکینر را برای مطالعه ایده محلاتی مفروض گرفته ایم. کوئنتین اسکینر با نقد رویکردهای «متن‌گرا» و «زمینه‌گرا» بحث کشف نیت مولف را مطرح کرد. اسکینر، کلیت رویکرد خود را این گونه توضیح می‌دهد مهم‌ترین خواست یا آرمانی که زیر بنای روش توصیف شده مرا تشکیل می‌دهد آن است که ما را قادر سازد تا هویت تاریخی یکایک متن‌ها را در تاریخ اندیشه بازیابی کنیم هدف این است که چنین متن‌هایی به منزله نوشته‌هایی در پیشبرد گفتارهایی خواص در نظر گرفته شوند و در نتیجه راه‌هایی تشخیص داده شود که در آن‌ها متن‌ها، واژه‌های قراردادی خود آن گفتارها را سرمشق قرارداده‌اند یا به چالش خوانده‌اند یا برانداخته‌اند به بیان کلی‌تر، هدف عبارت است از بازگرداندن متن‌های خاصی که مطالعه می‌کنیم، به زمینه‌های فرهنگی دقیقی که متن‌ها از آغاز در آن‌ها شکل گرفته‌اند (اسکینر، ۱۳۹۳: ۲۱۶) بر این اساس از نظر اسکینر درک یک متن مستلزم فهمیدن دو نیت است یکی اینکه متن چه می‌گوید و چه مقصودی دارد، دیگر اینکه گفتن همان حرف به نیت انجام چه کاری صورت گرفته‌است (اسکینر، ۱۳۹۳: ۱۵۷)

به زعم اسکینر، دو راه متعارض اما متعارف و رایج برای دست‌یابی به مفاهیم و معنای اندیشه سیاسی افراد، وجود دارد. اولین روش، طریق زمینه‌محور<sup>۱</sup> است که به طور فزاینده و گسترده به وسیله مورخان اندیشه به کار گرفته می‌شود (Tully، ۱۹۸۸: ۷۸) که بر طبق این روش؛ زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، دینی، و اجتماعی معنای هر متنی را مشخص می‌کند. طریق متن‌محور<sup>۲</sup> دومین روش،

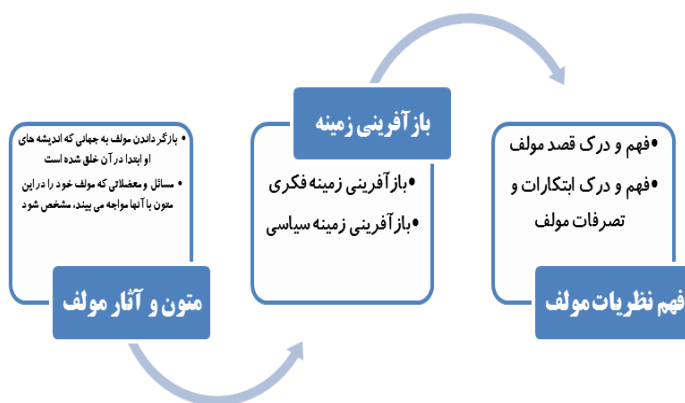
1 .Methodology of Contextual Reading

2 . Methodology of Textual Reading



است که صرفاً مفاهیم مورد برداشت از متن ملاک قرار می‌گیرد و از زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... چشم‌پوشی و صرف نظر می‌شود. از جمله مهمترین پیش فرض‌های اساسی رویکرد متن‌گرا می‌توان به: خودبستگی متن، فرازمانی بودن و دارای حکمت فراتاریخی یا کاربرد عام متون کلاسیک اشاره نمود (Skinner، ۲۰۰۲: ۸۶).

اسکینر به دنبال یافتن روش و رویکرد مناسبی برای بررسی و موشکافی متن یا اندیشه افراد شده است. بر طبق این رویکرد جدید؛ مطالعه آثار و متون هر فرد، به علاوه زمینه‌های اجتماعی و سیاسی دوره زندگی آن اندیشمند، و همچنین جریان‌ها و گرایش‌های فکری و فضای گفتمانی جامعه آن دوره ضروری می‌باشد (مرتضوی، ۱۳۸۶: ۱۵۹).



## ۵. پیدایش مشروطه خواهی و مباحث درباره مصلحت عمومی

این بخش که با عنوان زمینه گفتاری مشخص شده است، منطبق با رویکرد روشی اسکینر، تلاشی است برای در «زمینه» قرار دادن ایده محلاتی به این معنا که با ترسیم شرایط تاریخی-سیاسی عصر مشروطه، و توصیف چگونگی شکل‌گیری روحانیون مشروعه‌خواه و مشروطه‌خواه. البته این تقسیم‌بندی را با تسامح باید به کار برد زیرا روحانیون و اعظم دینی مدافع مشروطیت نیز کاملاً از منظر دینی و براساس آموزه‌ها و ادله اجتهادی شیعه در عصر غیبت مشروطه را نه به عنوان حکمرانی مطلوب بلکه به عنوان ارجحیت بر استبداد و ظلم و فقدان آزادی و... مورد تأیید قرار دادند. و با ترسیم میدان منازعات ایدئولوژیک که اسکینر بر آن تأکید دارد به بررسی مواضع سیاسی محلاتی در تحولات عصر مشروطه و این مهم که محلاتی در کدام طیف سیاسی این منازعات قرار داشته است و سپس، از زمینه تحولات سیاسی به زمینه آراء و رساله‌ها در مقام منازعات ایدئولوژیک حرکت می‌

کنیم و در متن این منازعات وازگان هنجارین آنها که با مفهوم «مصلحت عمومی» معطوف به موافقت یا ضدیت با مشروطه است، برجسته می‌کنیم. این نوع از زمینه‌گرایی، شرایط بررسی «متن» رسالهٔ محلاتی در بخش بعد را فراهم می‌آورد.

عصر قاجار دورهٔ متمایزی در تاریخ فقه‌سیاسی شیعه شناخته می‌شود که زمینه‌ساز تحولی شگرف در حیات سیاسی، اجتماعی و دینی مردم و علما را رقم زد و ایران را وارد گردونه‌ای از تحولات نمود که ماحصل آن طرح مباحث عدیده‌ای در باب حقوق انسانی و تاملی نظری در میراث به جای مانده از گذشته است (آبادیان، ۱۳۸۳: ۹) و از گذرگاه این تحول پارادایمی شاهد انتقال مفاهیم از قلمرو اندیشه به گستره واقعیات حیات‌سیاسی و اجتماعی هستیم که ثمره‌ی آن ظهور نظام‌هایی جدیدی است که هیچ نسبتی با نظام سنت قدمایی نداشت. بنابراین انقلاب مشروطیت، در عین حالی که پاسخی به نیازها و شرایط حاکم بر ایران آن زمان بود، نتیجهٔ فرآیند تحولات فکری رو به رشدی بود که از جهان غرب وارد ایران شد و در قالبی ساختارشکنانه، منطق نوینی را بر مناسبات سیاسی و اجتماعی جامعهٔ ایران حاکم گردانید. (درخشه، ۱۳۸۴: ۳۹) در این زمان علمای نجف و روحانیت طرفدار مشروطیت بر این باور بودند که مقتضای عصرایشان متفاوت با اعصار پیشین است و به این منظور باید تفسیری عصری از جامعه و حقوق حاکم بر آن در جهت مصلحت‌عمومی مردم با توجه به مبانی دینی ارائه نمایند. آن چنان که شیخ حسین یزدی از طرفداران مشروطه بر این نظر تاکید داشت که نخستین شرط قانون‌گذاری نافع بودن قانون است که تحقق آن منوط بر مصلحت‌سنجی در قوانین است. مصلحت مورد نظر شیخ حسین یزدی در چارچوب شریعت معنا یافته و مصلحت عمومی در ذیل احکام شریعت گنجانده و تعریفی دینی از مصلحت را احصاء نمودند و در رسائل خود اینچنین عنوان کردند «لذا دین قویم اسلام را به طوری براساس محکم استوار فرمود که تا قیامت پایدار بماند و امور روحانی و سیاسی معتقدین آن را الی‌الابد کافلت کند و از هر نوع تزلزلی محفوظ ماند احکام ثانویه عذریه مقرر فرمود از قبیل اباحه محظورات در مواقع ضرورت و لزوم تقدم اهم بر مهم و وجود دفع افسد به فاسد که به رعایت همین دقیقه، سایر شرایع منسوخ و قوانین اسلام ابدی و لاینسوخ خواهد بود» (آبادیان، ۱۳۸۶: ۱۷۱) و این مدعا گواه بر رجحان دین اسلام نسبت به سایر ادیان از باب تاکید بر مصلحت‌عموم دارد. همچنین نویسنده گمنامی در رساله خود به نام *بستان الحق* مدخل بحث خود را اینچنین عنوان نمود که «حراست از ممالک اسلامی و نفوس رعایای اسلامی از شر و مفسده معاندین» واجب کفایی است. بنابراین در این فقره «هر چیز در هر عصر که بتواند این مهم را

برآورده سازد واجب شمرد». استدلال یاد شده بر مبنای قاعده مقدمه واجب، واجب است. استوار شده است او بر این نکته اذعان داشت که حفظ قدرت اسلام در هر عصر باید به اقتضای همان عصر باید انجام گیرد (جلالی، ۱۳۸۶: ۸۵).

ملا عبدالرسول کاشانی نیز رساله ای با عنوان رساله انصافیه نگاشت و بر این باور بود که ضابطه اساسی در تدوین قانون رعایت مصلحت عموم مردم است، «قانونی که ناظر بر مصلحت همگان باشد نه بر ادله دفاع از نفع فردی خاص»، ایشان معتقد است «اهل هر مملکتی، مادام که حاکم خود را انسان بدانند تمنای تمدن و ترقی ننمایند و چون حاکمی غیر از قانون نشناسند در انتظار ترقیات که انسان و مملکت درخور آن باشند، باشند» (زرگری نژاد: ۵۶۳: ۱۳۷۷) اساس سخن عبدالرسول بر این مدعاست که مصلحت عموم در گرو فرمانروایی قانون محقق می شود. نه تبعیت از یک انسان. محلاتی نیز در رساله خود به نام رساله اللئالی المرابطه فی وجوب المشروطه که در سال ۱۳۲۶ به پایان رسید (آجودانی، ۱۳۸۳: ۱۸۱) وجه تمایز مشروطه از سلطنت را ناظر بر رعایت مصالح عمومی قرار می دهد و برای نیل به تحقق منافع عامه، می گوید مردم باید «امنائی» را انتخاب کنند که «جلب منافع عامه و دفع مضار کلیه به نظر آنها منوط گردد». بنابراین محلاتی بر این باور است که مشروطه به عنوان نظام سیاسی محقق نمی شود تا زمانی که مردم نمایندگانی برای رایزنی در این امور انتخاب نکنند تا صلاح و فساد امور عمومی را از «روی مشورت نفیا و اثباتا معلوم نمایند» (زرگری نژاد: ۱۳۷۷، ۲۹۷).

این گروه مشروطه خواهان بی شک نوعی اجتهاد را برای تبیین مصلحت عمومی در فقه سیاسی انجام دادند که تا حدود زیادی راهگشا بود به ویژه با توجه به وزن علمی و فقهی مراجع دینی مشروطه خواه به مانند آخوند خراسانی و علامه نائینی. آنچه آن که علامه نائینی، از جمله مجتهدان و مراجع طراز اولی بود که رساله تنبیه الامه و تنزیه المله را در دفاع از مشروطیت و ترجیح مشروطیت بر استبداد به رشته تحریر درآورد ایشان با اجتهادی درون دینی و با استناد به ادله عقلی و نقلی برای تأمین مصلحت عمومی شیعیان در عصر غیبت، نوعی عمل گرایی سیاسی را در فقه سیاسی شیعه بنیان نهاد که ضمن رفع حداکثری تعارضات و یا تزاوجات احتمالی، در عمل، راه را برای استقرار حکومت مشروطه به لحاظ شرعی هموار و ممکن می ساخت. و ایشان با صبغه ای پسینی ورود اندیشه های جدید در جهان اسلام در ساحت حکمرانی را البته با شروط و ملاحظاتی معقول مورد اقبال قرار داده است.

در گفتمان مقابل مشروطه خواهی نیز رسائلی در مخالفت با مشروطه خواهی نگاشته شد که نام

آشنا‌ترین آنان شیخ شهید فضل‌الله‌نوری بود که در دو رساله خود دیدگاه‌ها و فتاوایی در باب حرمت مشروطیت به تقریر در آورده‌است. ایشان انتخاب نمایندگان مجلس و تدوین قانون که از نخستین مفاهیم اندیشه مشروطه‌خواهی به شمار می‌آید را بر نمی‌تابیدند زیرا از منظر اندیشه فقهی ایشان احقاق حقوق و اجرای حدود در اسلام ثابت است و نیازی به تصویب قانون ندارد در زمان غیبت «مرجع رسیدگی و اجرای حدود جزء فقها شیعه نیستند و مجاری امور به ید ایشان است که آن حدود را اجرا می‌کنند» (زرگری‌نژاد: ۱۳۷۷، ۱۶۶) بنابراین حدود و ثغور مصالح مختلف مشخص است بر این اساس مصالح مبتنی بر راهبرد و ضرورت، اصولاً نمی‌توانند در تعارض با حقیقت شریعت معتبر باشند و چون مشروطه‌خواهان در عمل سطح تعارض را به حقیقت و فلسفه وجودی اسلام رسانیده بودند شیخ به صراحت در مقابل ایشان ایستادگی نمود و مشروطه ایشان را غیر مشروع خواند (فضلی، ۱۳۹۰: ۴۵). البته نفوذ جریان‌های غیرپایبند یا کم توجه به آموزه‌های دینی در میان گروه‌های مشروطه‌خواه در آن زمانه را در توسعه اندیشه‌های مشروطه‌گریزی یا مشروطه‌ستیزی گروهی از علما را نمی‌توان نادیده گرفت.

از دیگر مخالفان مشروطه محمدحسین تبریزی می‌باشد ایشان معتقد است تالی‌های فاسد مشروطیت و نابسامانی‌های ناشی از آن نقداً مشهود و مشهور است در حالی که اگر سودمندی نیز بر آن مترتب باشد همه نوید و وعده به آینده است و زمانی را حواله می‌دهند که کسی از نسل کنونی برای رویت آن زنده نخواهد بود (زرگری‌نژاد، ۱۳۷۷: ۱۱۶) ایشان باور بر این داشت که «چون مستبدین در زبان و بیان به نفعی قوانین شریعت نمی‌پردازند و تنها عیبشان آن است که به فرمان شریعت عمل نمی‌کنند، پس فاسق و معصیت کارند. حال آنکه مشروطه طلبان کافرند، زیرا هم در بیان و هم در عمل به مخالفت با قوانین شریعت مبادرت می‌کنند و ضروریات دین را منکرند» (تبریزی، ۱۳۷۷: ۱۱۰) بر این اساس طرفداران شیخ فضل‌الله‌نوری بر این گفتمان غالب باور داشتند که این مملکت با عرفی‌سازی سیاست و تدوین قانون مستند به عقلانیت بشری به سامان نخواهد رسید و تشخیص مصالح عامه تنها توسط شرع مقدس ممکن خواهد بود (انصاری، ۱۳۶۹: ۱۲۰) بنابراین باید اذعان نمود که عصر مشروطیت در ایران فراتر از شکل دادن به اندیشه‌های مبتنی بر عرف و انسان‌گرایانه دوره‌ای از نو اندیشی فکری و به تعبیری بازآفرینی اندیشه دینی را به وجود آورد و حتی به رقم اتخاذ نگرش‌های متفاوتی در قبال آن اما تولید این حجم از ادبیات فکری و سیاسی علی‌الخصوص در تبیین مشروعیت مشروطیت از سوی علمای شیعه حکایت از ظرفیت انعطاف‌پذیر تفکر سیاسی عالمان

شیعی در پاسخ به چالش‌های فکری زمانه به شمار می‌آید که متأثر از نگرش‌های اجتهادی و اصول‌گرایی احیا شده عصری قرار داشت. چنین نگرش‌هایی که به نحو غیرقابل انکاری واقع‌بینی و توجه به مقتضیات زمان و مکان نیز در آن مشاهده می‌شود، ذهن شیعی را پذیرای تحول اجتماعی می‌کند و نسبت به توانمندی انسان در سازماندهی امور اجتماعی خویش بر پایه‌ی حفظ مصلحت عمومی والبتّه در چارچوب شریعت اسلامی اطمینان بیشتری را به وجود می‌آورد.

تصریح به مقوله اجتهاد شیعی همان‌طور که حمیدعنایت نیز می‌گوید باعث تلقی با انعطاف‌تری از کاربرد فقه در مسائل مستحدثت اجتماعی و سیاسی می‌شود و از این حیث نهضت مشروطه تحولی اساسی و نقطه عزیمتی در اندیشه‌سیاسی شیعه در عصر غیبت امام‌زمان(عج) را به‌وجود آورد که مشتمل بر گفتمانی نو در تبیین نگره‌های سیاسی شیعه به‌شمار می‌آید(درخشه، ۱۳۸۴: ۱۳۹) که براساس جامعیت شریعت و ضرورت قانون‌گذاری باید مصالح‌جدید سازگار با مقاصد شریعت باشند و در این مسیر علمای شیعه با گشودن باب‌مصلحت و با استناد به ادله درون دینی عقلی و نقلی باب جدیدی در اندماج و آمیختگی اندیشه‌های اسلامی با دستاوردهای بشری در حوزه اجتماع و سیاست و حکمرانی بهتر سیاسی گشودند.

## ۶. شیخ اسماعیل محلاتی و نالیه مربوطه

شیخ محمد اسماعیل محلاتی در روز چهارم جمادی الاولی ۱۲۶۹، در محلات دیده بر جهان گشود. پدر ایشان ملا محمدعلی محلاتی از فقهای برجسته آن دوران بود. محلاتی سه سال در محضر پدر بزرگوارشان مباحث مقدماتی علوم دینی را آموختند سپس برای کسب مدارج عالی علمی، در سال (۱۲۸۴ قمری) رهسپار تهران شدند. ایشان در محضر بزرگانی چون حاج میرزا ابوالقاسم نوری تهرانی و حاج میرزا محمدحسن آشتیانی که هر دو از شاگردان مرحوم شیخ انصاری بودند به فراگیری علوم و فنون دینی و تهذیب نفس پرداختند(انصاری، ۱۳۳۹: ۴۲۵)، شیخ محمد اسماعیل محلاتی در سال (۱۲۸۹ قمری) رهسپار عراق شدند ایشان مدتی در شهر کربلا، در محضر ملا محمدحسین اردکانی و شیخ زین‌الدین مازندرانی کسب فیض نمود و از آنجا راهی نجف اشرف گردید.(محلاتی، ۱۵)

نجف در آن روزگار، مجمع فقهای بزرگی چون میرزا محمدحسن شیرازی (میرزای بزرگ)، میرزا حبیب الله رشتی، علامه سید حسین کوه کمری، میرزا ابوالقاسم کلانتر و دیگر اعظام آن عصر بوده

است. وی با هوش سرشار و دقت نظر خدادادی اش، از محضر استادان آن زمان بهره‌های بسیار برد محلاتی. با آن که سخت مشغول درس و تحقیق و مطالعه بود، هیچ‌گاه از وظایف دینی و شرعی خویش غفلت نکرد و به تهذیب نفس و کمالات معنوی اشتغال کامل داشت. در سال (۱۲۹۴ قمری) به ایران بازگشت و به زیارت امام رضا(ع) مشرف شد. پس از بازگشت از زیارت، در بروجرد سکنا گزیدند و به تدریس، ترویج دین، همت گمارد. در سال (۱۳۱۲ قمری) مجدداً به عراق بازگشتند و در سامرا در درس میرزای بزرگ، شرکت نمودند. ایشان در مسائل و ابتهالات موجود در آن زمانه، انسانی آگاه به مقتضیات زمان بود و مقالات، رسائل و نوشته‌های نسبتاً جامعی در این زمینه تدوین نمودند. نوشته‌های سیاسی - اجتماعی محلاتی در ارتباط با مسائل روز، مورد توجه مراجع و بزرگان آن عصر قرار می‌گرفت و اثر ارزشمند ایشان به زیور تقریظ دو تن از زعمای برجسته‌ی حوزه‌ی نجف یعنی آخوند خراسانی و مولی‌صالح‌مازندرانی آراسته گشته و تعبیر محکم آن دو فقیه برجسته بر اعتبار و قوت این اثر افزوده‌است. آنچنان که آیات عظام آخوند خراسانی و عبدالله‌مازندرانی در تقریظی به یکی از رسائل مرحوم محلاتی که در دفاع از مشروطه به رشته تحریر درآمده بود، تمجیدی درخور دارند و عموم مردم را برای شرح احکام به متن رساله‌ی ایشان ارجاع داده‌اند. آخوند خراسانی در تقریظی بر یکی دیگر از مکتوبات سیاسی ایشان می‌نویسد:

«ان شاء الله تعالی عموم اسلامیان... برای فهمیدن تکالیفی که در حفظ بیضه اسلام درعهده دارند، مغتنم شمارند و حقیقت احکام ماها را که مخالفت اساس مشروطیت به منزله‌ی محاربه با امام زمان (علیه السلام ارواحنا فداه) دانستیم، از بیانات و اوضحه ایشان استفاده نموده و متفق‌الکلمه برای حفظ دین و دنیای خود، این اساس قویم را استوار نمایید» (زرگری نژاد، ۱۳۷۷: ۴۷۹)

رساله محلاتی در فاصله سال‌های (۱۳۲۶ و ۱۳۲۷ هجری قمری) به رشته‌ی تحریر درآمده است، ایشان معتقد هستند که مذهب هر مملکت هر چه باشد خدا پرستی یا بت پرستی سلطنت آن مملکت، ممکن است "مشروطه" باشد یا "مستبده" مشروطیت و استبداد هر دو صفت سلطنتند و این مطلب دخلی به دین و مذهب ندارد (آجدانی، ۱۳۸۳: ۱۸۱) بدان سان که در نوشته‌های ایشان از حقوق ملی به حقوق شرعی و شریعتی تعبیر شده است محلاتی بر این باور است که برای خروج بحران و رسیدن به جامعه مطلوب دست به قلم برده و چنین می‌نگارد.

«غیرت دینی و عرق اسلامی و شبهه و جوب عینی به عدم العلم به قیام من یکفیه محرک شد که فساد این خرافات به نحو واضحی ارائه شود» (محلاتی، ۱۳۸۶: ۹۷) بنابراین پر واضح است که محلاتی این

تکلیف را واجب عینی برای خود شمرده است با توجه به اینکه محلاتی مجتهدی آگاه به مقتضیات زمانه خود بود، و در مسائل اجتماعی سیاسی عصر خود فعالیت داشت آنچنان که ایشان را به عنوان یکی از بیست نفر فقیهی که از سوی مراجع نجف اشرف، در سال 1328، برای نظارت بر لوایح و مصوبات مجلس در زمینه تحقق اصل دوم متمم قانون اساسی معرفی شده بودند. وی در طول زندگی خود آثار زیادی را به رشته تحریر در آورد، مهم ترین آن که به بحث ما مربوط است.

رساله اللئالی المربوطه فی وجوب المشروطه می باشد. در این رساله نظام سیاسی شیعه را با توجه به موازین اسلام بررسی نموده اند. ایشان، سرانجام در سوم ربیع الاول 1343 در سن 74 سالگی، در نجف اشرف دار فانی را وداع گفت.

#### ۷. مفهوم مصلحت عمومی و نسبت آن با مشروطه در اندیشه محلاتی

با آغاز استبداد صغیر علمای مشروطه خواه پیکار تمام عیاری را علیه دیدگاه مشروعه خواهان آغاز نمودند آنچنان که از منظر تاریخ اندیشه سیاسی منسجم ترین و منظم ترین رساله ها در دفاع از مشروطیت در همین دوره انتشار یافته است که تنبیه الامه میرزای نائینی بهترین نمونه آن رساله ها می باشد اما پیش از آنکه میرزای نائینی به تفصیل مغالطه های مشروعه خواهان را مورد بررسی و نقادی قرار دهد محلاتی در دو بخش رساله با عنوان اللئالی المربوطه فی الوجوب المشروطه همچون دیگر علمای نو اندیش و مشروطه طلب در جهت برون رفت کشور از عقب ماندگی و قرار گرفتن در مسیر پیشرفت و اعتلا نگاهی دوگانه در رساله خود دارد بدین معنا که هم از انگارهای عقلانی و هم موازین شرعی ممدجسته است.

شیخ محمد حسین غروی محلاتی نیز در رساله مراد از سلطنت مشروطه یا کشف حقیقت مشروطیت می گوید:

سلطنت مشروطه در لسان همه اهل عالم غیر از این نباشد که خیالات شاه و حواشی او خودسر و رها نشوند که هر خرابی که خواست در مملکت بکنند، بلکه میزان عمل جمیع آن ها از روی قانونی منضبط باشد که به ثواب دید عقلای مملکت که از هر طرف ملت برای شور در این امور انتخاب کرده اند، مقرر شده باشد و مراد از مجلس شورای ملی عمارتی است که برای مشورت کردن امنای ملت در مصالح و مضار مملکت مهیا داشته اند و وجود این دو امر در سلطنت جائزه اسلامی، بر طبق قوانین اسلام و منطبق با احکام قرآن است، نه منافی آن (محلاتی غروی، ۱۳۸۶: ۷۵)

محلاتی برای تبیین نظام سیاسی مورد نظر خود، در ابتدا به ترسیم و توصیف انواع نظام‌های سیاسی پرداخته و سرانجام نظام مشروطه را با احکام و موازین اسلام موافق و همسو دانسته آن را برای جامعه ترجیح می‌دهد ایشان تشکیل نظام سیاسی را از سه حالت خارج ندانست:

- |   |   |
|---|---|
| } | <ul style="list-style-type: none"> <li>• سلطنت مشروطه</li> <li>• سلطنت مطلقه</li> </ul> |
| } | <p>سلطنت مطلقه استبدادیه</p>  |
| } | <p>سلطنت مطلقه ولایته</p>   |

محلاتی بر این باور بود که در صورت دستیابی به نوع دوم از سلطنت مطلقه، دو قسم دیگر باطل خواهد بود و چون در عصر غیبت نمی‌توان به آن دست یافت، حکومت مطلوب در این دوران جز سلطنت مشروطه نخواهد بود.

از منظر محلاتی جنبش مشروطه خواهی با ندایی غیبی آغاز شد و با مدد غیبی نیز به پیروزی رسید اما مغرضان که جز به دنبال منفعت دنیوی خود نبودن ندبه باطنیه خود را... به اسم ندبه بر دین بر ضد مشروطیت سلطنت بلند کردند. پر واضح است که مبانی نظریه رساله محلاتی به لحاظ شرعی همان مقدماتی است که اهل شریعت در آن زمان پذیرفته بودند اما شیوه طرح و بسطی که او با تکیه بر مبانی اصولی خود به آن مقدمات می‌دهد، نخستین نکته‌ای که در رساله محلاتی جلب نظر می‌کند، نوعی از دیدگاه سیاسی- تاریخی است که او به عنوان مقدمه بحث شرعی خود آورده است. ایشان، بر خلاف طرفداران نظام مشروطه، که جز به اجرای شرع نظر نمی‌کردند و کوشش می‌نمودند سیاست شرعی خود را حتی به بهای قربانی کردن مصالح عمومی به موقع اجرا بگذارند، غایت دیانت را تأمین همین مصالح می‌داند و در توضیح دیدگاه خود به تاریخ جهان اسلام اشاره می‌کند که چون فرمانروایان برخی از بخش‌های آن، مانند اندلس، تونس و الجزایر، سست عنصری پیشه کردند، آن کشورها به تصرف مسیحیان در آمد یا به منطقه نفوذ کشورهای استعماری تبدیل شد. (طباطبایی، ۱۳۸۵: ۴۵۱)

بنابراین برقراری نظام مشروطه از منظر محلاتی از این حیث ضرورت پیدا نموده است که در ایران سلطنت جائزه دایر است و صاحبان چنین قدرت سیاسی نیز «هرگز به اختیار خود از او رفع ید» نخواهند کرد. بنابراین، تنها انتخابی که در برابر مردم قرار داشت عبارت بود از تن در دادن به سلطنت مستقل یا محدود کردن اقتدار حکومت جور به «حدود و قیودی که مفید به حال نوع و موجب بقای مملکت اسلام گردد» مشروطیت نظامی در محدوده حکومت جور و ناظر بر دو «تشدید جور» و



حفظ «بیضه اسلام» است. (زرگری نژاد، ۱۳۷۷: ۵۲۴)

بنابراین مهم، نخستین نتیجه‌ای که محلاتی بر آن تاکید دارد تمایز «سلطنت استبدادیه» و نظام سیاسی ناظر بر رعایت و تامین مصالح عمومی است که در چنین نظامی مردمی که «جهات عامه مدنیت و مصالح کلیه تمدن مملکت» به آنان تعلق دارد و در «نفی و اثبات» آن نیز باید به آنان رجوع شود «امنایی» تعیین کنند که «جلب منافع عامه و دفع مضار کلیه به نظر آنها منوط گردد»، یعنی مشروطیت به عنوان نظام سیاسی، درست نمی‌شود مگر اینکه مردم نمایندگانی برای رایزنی در این امور انتخاب کنند تا آنان بتوانند صلاح و فساد و امور عمومی را «از روی مشورت نفیاً و اثباتاً معلوم نمایند». محلاتی نمایندگان مردم در امور عمومی را با «عقل علمی و قوه نظریه» در بدن انسان مقایسه می‌کند که منافع و مصالح را معلوم و به پادشاه که حکم «عقل عملی و قوه عملیه» را دارد پیشنهاد می‌کند تا به موقع اجرا بگذارد. او آنگاه در ادامه همین عبارت خلاصه بحث درباره نظام مشروطه یا «اشترط در سلطنت» را به قرار زیر می‌آورد که «اشترط در سلطنت عبارت است از تشدید نمودن اشغال پادشاهی و تقیید کردن ادارات آن را حدود و قیودی که به حسب نظر عقلا و سیاسون مملکت به حال نوع مفید باشد و موجب قوام مملکت و باعث ازدیاد قوت و شوکت دولت و ملت گردد». برعکس سلطنت مستقل یا «پادشاهی بالانفراد»، نظامی است ساکنان کشور حق مشارکت در قدرت سیاسی نداشته باشند و آن لیز بر دو قسم است: سلطنت مستقل نوع نخست به اعتبار اینکه مساله عمومی تامین می‌شود و «نوع ملت» مالک همه مصالح و مفاسد کشور خود هستند از سنخ نظام‌های مشروطه است، صنما از این حیث که مشارکت مردم در قدرت سیاسی و نظارت آنها تدبیر امور از طریق انتخاب نمایندگان نیست، بلکه تدبیر همه امور کشور با مباشرت خود رئیس حکومت و تحت ریاست عالیه او به انجام می‌رسد. در این نظام سیاسی «بر خود پادشاه لازم باشد که بدون تکاهل و تساهل» به تدبیر امور «قیام و اقدام» کنند و اگر به یاوری یا رایزنی نیاز داشته باشد، به اراده خود کسانی را از میان مردم انتخاب کند. محلاتی این شیوه حکومتی را که نظام مختلطی از سلطنت مستقل و نظام مشروطه است. از سنخ ولایت پیامبران و خلافت اوصیا می‌داند و می‌نویسد که «سلطنت ائمه اثنا عشر در این امت مرحومه که از جانب خدا مقرر شده از این قبیل است» این نظام حکومتی که نظامی الهی است در صورتی می‌تواند تحقق یابد که امام معصوم در راس آن قرار گرفته باشد، زیرا تنها چنین فردی که «هم عقل علمی مملکت و هم عقل عملی خواهد بود» میتواند هم «حقوقی» را که برای «ممالک اسلامیه مقرر شده» تامین کند در قسم دوم از سلطنت مستقل ملک طلق شاه است

و همه مصالح نوعیه به اراده او وابسته است در حالی که مردم «بالکویه، مکفوف الید و مسلوب الحق» هستند سیره پادشاهان جور در ایران چنین بود. (زرگری نژاد، ۱۳۷۷: ۵۲۵)

### ۸ نتیجه گیری

انقلاب مشروطه به عنوان مهم‌ترین رویداد در سیاست ایران در عصر قاجاریه فرصتی ارزشمند در جهت رشد و شکوفایی جریان‌های نو اندیش دینی فراهم آورد که بر این اساس بسیاری از فقها و اندیشمندان شیعی در صدد برآمدن تا آن را به شیوه و روش عقلانی که منطبق با اصول و قواعد فقهی و شرعی است تئوریزه نمایند.

شیخ اسماعیل محلاتی یکی از همین علمای این دوران است که به دنبال سازگاری دین و مشروطه‌خواهی برآمد در این میان راه حل محلاتی در مواجهه با گفتمان مشروطه‌خواهی در بستر فقه سیاسی شیعه گزینش روش و متدولوژی برهانی عقلانی برای نشان دادن سازگاری مشروطه با شریعت و بر اساس مقتضیات بر گرفته از ادله شرعی بهره برد. و سعی ایشان بر این بود که دیانت اسلام را به مخالفان مشروطه به مثابه دیانت عقلی معرفی نماید و این وجه تمایز اندیشه محلاتی با علامه نائینی می باشد زیرا نائینی به تمامی با توجه به ادله نقلی و کلامی به توجیه و انطباق مشروطه پرداخته است اما محلاتی برخلاف نائینی تلاش ندارد صرفاً مشروع بودن مشروطه را ثابت نماید بلکه تلاش دارد تا به حکم عقل حکومت مشروطه را بر سایر نظام‌ها ارجح دانسته و مصلحت عموم را در آن متصور بداند.

محلاتی در رساله "النالی المربوطه فی وجوب المشروطه" بر این مهم باور دارد که "امور سیاسیه و قواعد تمدن حالیه .. که از طرف اروپا به اطراف عالم نشر کرده است .. اصل آنها چنانچه بر اهل تاریخ مخفی نیست، ماخوذ است از کتب اسلامیه و قرآن شریف" بر این اساس محلاتی با استناد به برخی قواعد فقهی و آموزهای شرعی پاسخ‌های قاطع و موثری به مخالفان نظام مشروطه داده است بنابراین باید عنوان داشت که نظام سیاسی جدید و نهادهای آن مانند پارلمان یا دارالشورا، قانون اساسی و مانند آن‌ها لازم نیست از پیش با همان قالب در شریعت وجود داشته باشد. در مشروع بودن این نهادها و قوانین کافی است که براساس مصالح نوعیه یعنی مصالح معقول عمومی تنظیم شد.

- آبادیان، حسین (۱۳۸۶). "مشروطه در اندیشه شیخ حسین یزدی"، در مجموعه مقالات جریان‌های فکری مشروطیت، تهران. موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- آبادیان، حسین (۱۳۸۳). بحران مشروطیت در ایران، تهران. موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- آجدانی، لطف‌الله (۱۳۸۳). علما و انقلاب مشروطیت/ایران. تهران: اختران.
- آدمیت، فریدون (۱۳۵۵). ایدئولوژی انقلاب مشروطه ایران. تهران: پیام.
- احمدی طباطبایی، سید محمد رضا، کرباسی، وحید (۱۳۹۲). "گفت‌وگوهای عقلی و نقلی مراجع و فقهای شیعه در دفاع از حکومت مشروطه در عصر غیبت". فصلنامه سیاست، دوره ۴۳.
- احمدی طباطبایی، سید محمد رضا (۱۳۸۷). "اخلاق و فلسفه سیاست". فصلنامه قیاسات، سال ۱۴.
- افلاطون (۱۳۸۰). دوره آثار افلاطون. ترجمه محمد حسن لطفی، تهران: خوارزمی.
- انصاری، مهدی (۱۳۶۹). شیخ فضل‌الله نوری و مشروطیت (رویارویی دو اندیشه). تهران: امیرکبیر.
- ارسطو (۱۳۸۶). سیاست، ترجمه حمید عنایت. تهران: امیرکبیر.
- جلالی، غلامرضا (۱۳۸۶). "مشروع در بوته نقد علمای مشروطه خواه"، مجموعه مقالات جریان‌های فکری مشروطیت، تهران. موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- حقیقت، صادق (۱۳۹۴). "نقش مصلحت در حکومت اسلام از دیدگاه امام خمینی (ره)"، اندیشه‌سیاسی در اسلام، شماره ۶.
- حقیقت، صادق (۱۳۸۴). "تحدید مصلحت". فرهنگ اندیشه، شماره ۱۲.
- درخشه، جلال (۱۳۸۴). "نسبت قانون و شریعت در اندیشه‌سیاسی علامه میرزای نائینی". دانش سیاسی، شماره ۲.
- رسو ژان ژاک (۱۳۸۹). قرارداد اجتماعی، ترجمه محمد رضا کلانتریان. تهران: آگاه.
- زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۷۷). رسائل مشروطیت (۱۸ رساله و لایحه درباره مشروطیت) تهران: کویر.
- سلیمانی، فاطمه (۱۳۸۹). "نسبت مصلحت و امنیت در فقه سیاسی شیعه". فصلنامه مطالعات

راهبردی، ۵۰.

- شفیعی محمود، خالقی علی (۱۳۹۷). "گفتمان مصلحت در فقه سیاسی شیعه و اهل سنت". علوم سیاسی (باقرالعلوم)، سال ۲۱، شماره ۸۲.
- طباطبایی، سیدجواد (۱۳۸۰). دیباچه‌ای به نظریه انحطاط ایران، تهران: نگاه معاصر.
- طباطبایی، جواد (۱۳۸۵). نظریه حکومت قانون در ایران، انتشارات ستوده.
- محقق داماد، مصطفی، غنی زاده بافقی، مریم (۱۳۹۶). "تعیین مصالح نوعیه کودک از منظر فقه امامیه و مبانی آن"، مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۷ شماره ۱.
- محمود پناهی، سید محمدرضا (۱۳۹۴). "بررسی روش شناسی هرمنوتیک قصدگرای اسکینر". فصل‌نامه سیاست پژوهی. تابستان شماره سوم.
- مرتضوی سیدخدایار (۱۳۸۸). "کاوشی در روش شناسی تاریخ اندیشه‌های سیاسی (مطالعه موردی: نقد اسکینر بر روش شناسی قرائت متنی)". فصلنامه سیاست، بهار شماره ۹.
- مرتضوی سیدخدایار (۱۳۸۶). "تبیین روش شناسی اندیشه سیاسی از منظر کوییتین اسکینر". پژوهشنامه علوم سیاسی، بهار شماره ۹، ۱۵۹-۱۹۲. مصباح، علی؛ محیطی اردکان، محمد علی (۱۳۹۰). "بررسی مبانی انسان شناختی دیدگاه‌های اریک فروم". معرفت فلسفی، شماره ۳۱.
- محلاتی اسماعیل (۱۳۸۶). لئالی‌المربوطه فی‌وجوب‌المشروطه (در پرتو مشروطه خواهی). تهران: صمدیه.
- نجفی محمد حسن (۱۳۳۸). جواهرالکلام فی شرح الشرائع الاسلام، تهران. دارالکتب الاسلامیه.